

### گریه حضرت آدم بر امام حسین علیه السلام

صاحب کتاب درالیمین در تفسیر این آیه مبارکه از قرآن کریم "فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم" می فرماید: خلاصه معنی چنان است که آدم (ع) در ساق عرش کلمه چند نگریست. جبرئیل او را بیاموخت که بدان کلمات که اسماء پیغمبر و آل پیغمبر بود پناهنده شود و بدین گونه سخن کند:

قال: "يا حميد بحق محمد، يا عالي بحق علي، يا فاطر بحق فاطمه، يا محسن بحق الحسن و الحسين و منك الاحسان".

خدا را بدین کلمات سوگند داد، چون به نام حسین(ع) رسید آتش از قلبش برانگیخت و آب از چشمش بریخت. گفت: ای جبرئیل، چه شد که در ذکر پنجم قلب من بشکافت و اشک من جاری شد؟ جبرئیل گفت: این فرزند تو به مصیبتی بزرگ مبتلا شود که همه مصیبت‌ها در نزد او کوچک باشد. گفت ای برادر آن چه مصیبتی است؟

قال: يقتل عطشاناً غربياً وحيداً فريداً، ليس له ناصر ولا معين و لو تراه يا آدم و هو يقول وا عطشاه و اقله ناصره حتى يحول العطش بينه و بين السماء كالدخان فلم يجبه احد الا بالسيوف و شرب الحتوف، فيذبح ذبح الشاه من قفاه و ينهب رحله اعدائه و تشهر رؤسهم. هو و انصاره في البلدان و معهم النسوان، كذلك سبق في علم الواحد المنان.

گفت: کشته می شود در حالی که تشنه باشد و بی کس باشد و تنها و فرید باشد و او را ناصری و معینی نباشد. ای آدم، اگر او را ببینی در حالی که می گوید: "وا عطشاه و اقله ناصره" تا گاهی که از تشنگی چشمش چنان تاریک می شود که آسمان را نتواند دید و هیچ کس او را جواب نگوید الا با زبان شمشیر و شراب مرگ. پس، او را می کشند چنانکه گوسفند را از قفا سر میبرند، و احمال و اطفال او را دشمنان او به نهب و غارت می برند و سر او و اصحاب او را بر سنان - نیزه‌ها - می کنند و در شهرها می گردانند و اهل بیت او را اسیر می گیرند. و این صورتی است که از پیش به علم خداوند واحد برگزیده است. چون این سخن به پایان رفت آدم و جبرئیل چون زن بچه مرده گریستند.

### حضرت آدم (علیه السلام) در کربلا

هنگامیکه حضرت آدم (علیه السلام) در زمین سیر میکرد، به محل شهادت امام حسین(علیه السلام) میرسد پایش به چیزی برخورد می کند و بر زمین افتاده خون از پایش جاری می شود او سر به آسمان بلند کرده و عرض میکند: خداوند! آیا گناهی از من سرزده که من به خاطر آن عقوبت شده ام؟ وحی میرسد: نه ای آدم این سرزمینی است که فرزندان حسین (علیه السلام) در آن کشته می شود و خون تو همانند خون او بر روی زمین جاری شده است.

حضرت آدم (علیه السلام) عرض می کند: قاتل او کیست؟

وحی می آید که قاتل او یزید ملعون است پس او را لعن کن و حضرت آدم (علیه السلام) نیز او را لعن می کند. بحار، ج 44، ص 244

### اطلاع یافتن حضرت نوح (ع) از شهادت امام حسین(ع)

هنگامی که حضرت نوح(ع) بر کشتی سوار شد و روی زمین را گردش نمود و به زمین کربلا رسید، زمین کربلا کشتی او را نگاه داشت. حضرت نوح از خطر غرق شدن ترسان شد و گفت:

الهی طفت جميع الدنيا و ما اصابني فزع مثل ما اصابني في هذه الارض؛ پروردگارا، من جميع دنیا را گردش کردم و در هیچ موضعی نظیر این زمین خوفناک ندیدم.

فنزّل جبرئيل و قال: "يا نوح في هذا الموضع يقتل الحسين سبط محمد(ص) خاتم الانبياء و ابن خاتم الاوصياء؛ در این موقع جبرئیل نازل شد و گفت: اینجا مکانی است که سبط خاتم انبیاء و فرزند خاتم اوصیاء کشته خواهد شد.

نوح گفت: قاتل او کیست؟

جبرئیل گفت: قاتل او کسی است که اهل هفت آسمان و زمین او را لعنت می کنند.

پس، لعنت کرد او را نوح چهار مرتبه. پس کشتی حرکت کرد تا کوهی ظاهر شد و بر آن قرار گرفت. بحار، ج 44، ص 243

### حضرت ابراهیم(ع) و گذر او از قتلگاه امام حسین علیه السلام

هنگامی که گذر حضرت ابراهیم(ع) به کربلا افتاد و به قتلگاه امام حسین(ع) رسید اسبش به رو درآمد. آن حضرت از بالای اسب بر زمین افتاد، سرش شکست و خون جاری شد. زبان به استغفار گشود و گفت: پروردگارا، آیا از من گناهی صادر شده است؟

جبرئیل نازل شد و گفت: گناهی از تو سر نزده بلکه در این مکان سبط خاتم انبیاء شهید خواهد شد و خون تو به موافقت خون او جاری گردید.

حضرت ابراهیم گفت: قاتل او که خواهد بود؟

گفت: آن کسی است که اهل آسمان‌ها و زمین او را لعنت خواهند کرد. بحار، ج 44، ص 243

### حضرت اسماعیل (علیه السلام) در کربلا

روایت است که گوسفندان حضرت اسماعیل علیه السلام در کنار فرات می چریدند. روزی شبان آنها به خدمت حضرت اسماعیل علیه السلام آمد و گفت: چند روز است که گوسفندان از این نهر آب نمی آشامند پس حضرت در مناجات با خدا از سبب این حالت سوال کرد همان ساعت حضرت جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند خدمت حضرت اسماعیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای اسماعیل سبب این حالت را از گوسفندان پیرس، آنها پاسخت را خواهند داد.

پس آن حضرت از گوسفندان پرسید: چرا از این رودخانه آب نمی نوشید؟

گوسفندان به زبان فصیح پاسخ دادند: به ما خبر رسیده که فرزند تو حسین - که سبط گرامی محمد صلی الله علیه و آله است - در این زمین با لب تشنه کشته خواهد شد پس ما از این آب نمی آشامیم به جهت حزن و اندوه برای تشنگی آن بزرگوار. بحار، ج 44، ص 243

### حضرت موسی (ع) و عبور از کربلای امام حسین علیه السلام

روایت شده موقعی که حضرت موسی (ع) با یوشع بن نون به زمین کربلا عبور کردند بند نعل حضرت موسی (ع) پاره شد و خاری به پای آن بزرگوار خلیل و خون جاری شد. گفت: پروردگارا، مگر چه گناهی از من صادر شده که بدین کیفر گرفتار شدم؟  
فاوخی الیه ان هنا یقتل الحسین (ع) و هنا یسفک دمه فسال دمک موافقه لدمه.

خطاب رسید: خون حسین (ع) در این موضع ریخته خواهد شد. خون تو نیز برای این که با خون آن حضرت موافقت کند جاری گردید.

موسی (ع) گفت: حسین کیست؟

خطاب رسید: حسین سبط محمد مصطفی و فرزند علی مرتضی است.

موسی گفت: کشته آن حضرت کیست؟

وحی شد: کشته او کسی است که ماهیان دریا و وحوش صحرا و پرندگان هوا او را لعنت خواهند کرد.

موسی (ع) هم بر یزید لعنت کرد.

### حضرت موسی (علیه السلام) و عاشورا

روزی شخصی از بنی اسرائیل حضرت موسی (علیه السلام) را دید که او با شتاب و با حالتی خاص و درحالیکه رنگ به رخساره ندارد برای عبادت و مناجات با خدا می رود عرض کرد:

ای نبی خدا من گناه بزرگی انجام داده ام و می دانم که اکنون برای مناجات با خدا وهم صبحتی با او می روی ای پیامبر خدا از تو طلب و خواسته ای دارم و می خواهم از خداوند سوال کنی آیا گناه مرا میبخشد؟

حضرت موسی (علیه السلام) پذیرفت و هنگام مناجات با خداوند عرض کرد: ای خداوند بزرگ تو عالمی به آنچه که می خواهم تکلم نمایم آن مرد که بنده ای از بندگان توست گناهی را مرتکب گشته و از من خواسته تا برای او بدرگاه تو طلب عفو و رحمت نمایم از جانب خداوند خطاب رسید: ای موسی هرکس از من طلب مغفرت و بخشش نماید من او را مورد رحمت و غفران خود قرار می دهم بجز قاتل حسین (علیه السلام). حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد: حسین کیست؟

خطاب رسید: همان کسی که ذکر او و احوالات او در گذشته و درکوه طور برای تو گفته شده است. عرض کرد: چه کسی او را می کشد؟

خداوند فرمود: او را جماعتی طاغی و ستمگر که خود را از امت جد او می شمارند میکشند و اسب او فرار کرده و شیهه کشان می گوید: ای داد از امتی که فرزند پیغمبر خور را میکشند. این ستمگران بدن او را بر روی خاکها پی غسل و بی کفن رها کرده و حرم او را غارت میکنند و زنان او را به اسارت گرفته یاران او را شهید و سرهایشان را بر سرنیزه ها کرده و در بلاد مختلف می گردانند ای موسی اطفال صغیر ایشان از تشنگی هلاک شده و بزرگانشان از شدت تابدن آفتاب، پوست بدنشان بهم کشیده میشود. در این هنگام حضرت موسی (علیه السلام) گریست و خطاب رسید ای موسی بدانکه هرکس گریه کند در عزای او یا گریاند یا خود را شبیه به گریستن کند (تباکی) آتش را بر بدنش حرام میکنم. بحار، ج 44، ص 308

### حضرت سلیمان (ع) و مقتل حسین علیه السلام

مروی است که سلیمان (ع) بر بساط خویش جای داشت و در هوا عبور می کرد. ناگاه روزی از زمین کربلا خواست درگذرد، باد بساط او را به دوران انداخت، چنان که سلیمان بيمناک شد تا مبادا او را به خاک افکنند. در این وقت باد از وزیدن بایستاد و بساط او به خاک در افتاد.

فقال سلیمان للريح لم سكنت؟ فقالت ان هنا یقتل الحسین (ع).

فرمود: ای باد تو را چه افتاد که ساکن گشتی؟ گفت: مقتل حسین بن علی اینجاست.

سلیمان گفت: کشنده او چه کسی است؟

گفت: لعین اهل سماوات و الارض، یزید.

پس سلیمان دست برداشت و او را لعن فرستاد و به دعای بد یاد کرد. در این وقت جن و انس ایمن گشتند و باد وزیدن گرفت و بساط طریق سلامت سپرد.

بحار، ج 44، ص 244

### حضرت زکریا (ع) و ذکر مصائب حضرت سید الشهداء (علیه السلام)

از حضرت مهدی (عج) نقل شده که زکریا از خداوند در مورد اسماء خمسه طاهره سوال نمود و از حضرت باری تعالی خواست تا آن اسماء را بد وهم بیاموزد. جبرئیل نازل شد و آن اسماء را به او یاد داد. زکریا نیز آن اسماء را ذکر نمود و حالات عجیبی بر او مستولی میشد او هرگاه نام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و حسن (علیه السلام) را می برد غم و اندوه از دلش رخت برمی بست اما همین که نام حسین (علیه السلام) را می برد بغض گلویش را می گرفت و دلش به طپش می افتاد و اشکانش جاری می گشت.

پس به خداوند عرض کرد: خدایا چه میشود که نام آن چهار بزرگوار مرا از هم و غم نجات میدهد ولی اسم حسین (ع) را که می برم اشکانم جاری میشود و دلم می شکند؟

سپس خداوند او را خبر داد از قضیه شهادت حسین (علیه السلام) و فرمود (کهیعض) پس کاف به کربلا و (هائ) به هلاکت و کشته شدن عترت طاهره و (یاء) به یزید قاتل و کشنده امام حسین (علیه السلام) و (عین) به عطش او و (صاد) به صبرش بر مصائب دلالت دارد.

چون زکریا این مصائب را شنید تا سه روز از مسجد بیرون نیامد و کسی را بحضور نپذیرفت و پشت هم میگریست و عرض کرد خدا یا آیا بهترین خلق خود را به مصیبت فرزندش مبتلا می سازی؟ و سپس از خدا خواست تا او را فرزندی عطا کند که محبت او در دلش بسیار باشد و او نیز به سرنوشت امام حسین (علیه السلام) دچار شود. خداوند نیز حضرت یحیی را به او عطا فرمود و حضرت یحیی نیز همانند حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) بدنیا آمد (یعنی مدت حمل او شش ماه بود) و سرزیدن او نیز جدا ساختند. بحار، ج 44، ص 223 و احتجاج، ج 2، ص 272

### حضرت عیسی (ع) و کربلای حسین علیه السلام

در خبر است که عیسی (ع) را با حواریون گذر به اراضی کربلا افتاد، ناگاه شیری را نگریستند که طریق را بر روندگان مسدود ساخته بود. شیر به سوی عیسی (ع) پیش آمد و فرمود:

انی لم ادع لکم الطریق حتی تلعنوا یزید قاتل الحسین (ع).

نهی گذارم شما در گذرید الا آن که یزید را که کشنده حسین (ع) است لعن کنید.

عیسی فرمود: حسین کیست؟

قال: سبط محمد النبی الامی و ابن علی الولی؛ سبط پیامبر و فرزند علی ولی الله است.

عیسی (ع) پرسید: قاتل او کیست؟

گفت قاتل او یزید ملعون است که وحوش بیابانها و درندگان صحراها خاصه روزهای عاشورا او را لعن کنند.

پس عیسی دست برداشت و لعن کرد بر یزید و نفرین فرستاد بر او. در این وقت شیر از طریق کناری رفت و حواریون ایمن شدند و به جانب مقصود عبور کردند.

### حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) و روضه خوانی او در کربلا

هنگامیکه حضرت عیسی (علیه السلام) به همراه حواریون خود از سرزمین کربلا عبور می کردند حزن و اندوه بیشماری آنان را فرا میگردد که آنان از خدا درخواست میکنند و سبب پیدایش چنین حالتی در وجودشان را جویا میشوند.

بدستور خداوند حیوانات وحشی (آهوان) برای آنان واقعه و جریان کربلا و مصائب حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را بازگو میکنند و حضرت مسیح (علیه السلام) و حواریون برای آن همه مصائب و مظلومیت حسین (ع) گریه میکنند.

بحار، ج 44، ص 253 و امالی صدوق، مجلس 87، ص 479

### حضرت محمد (ص) و تربیت امام حسین علیه السلام

ابوبصیر گوید امام صادق(ع) فرمود: جبرئیل بر رسول خدا(ص) فرود آمد. در آن هنگام حسین(ع) نزد حضرتش به بازی مشغول بود. پس جبرئیل او را آگاه ساخت که امتش این فرزند را می کشند. رسول خدا(ص) گریست و سپس جبرئیل عرض کرد: آیا تربیتی را که بر روی آن کشته می شود به شما نشان دهم؟ امام ادامه دادند: ناگاه فاصله میان محل نشستن رسول خدا(ص) و قتلگاه حسین(ع) در زمین فرو رفت، به طوری که دو مکان به هم متصل شدند و جبرئیل مشتی از آن خاک برگرفت. سپس در کمتر از یک چشم بر هم زدن دو مکان از هم دور شدند و به حالت اول خود بازگشتند. سپس جبرئیل خارج شد در حالی که می فرمود: خوشا به حال تو ای خاک و خوشا به حال آن که در اطراف تو کشته می شود.

### مرثیه خوانی جبرئیل در بهشت

روایت شده است امام حسن مجتبی (علیه السلام) در لحظات آخر عمر خود که زهر در تمام بدن مبارکش اثر کرده و رنگ رخساره ایشان به سبزی گرویده بود برادر خود امام حسین(علیه السلام) را در آغوش گرفته و گریستند و فرمودند: ای برادر حدیث جدم حضرت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در حق من و تو درست است ایشان خبر داد مرا که در شب معراج هنگامی که وارد بهشت شدم و دو قصر بسیار بلند و نزدیک هم را روایت نمودم که اولی از زبرجد سبز بود و دومی از یاقوت سرخ. از جبرئیل سوال کردم این دو قصر از آن کیست؟

جبرئیل گفت: یکی از آن حسن (علیه السلام) و دیگری از آن حسین (علیه السلام). گفتم: چرا هر دو به یک رنگ نیستند؟ جبرئیل ساکت شد گفتم چرا تکلم نمیکنی؟

گفت: از تو حیا می کنم

پس گفتم: که تو را به حق قسم میدهم بگو

گفت: سبزی قصر حسن (علیه السلام) بخاطر آن است که او را با زهر شهید می کنند و رنگش سبزی شود و سرخی قصر حسین (علیه السلام) بخاطر آن است که او را می کشند و رنگش از خون سرخ می شود پس در این هنگام پیغمبر و جبرئیل هردو گریستند و صدای شیون و ضجه ملائک نیز بلند

شد. بحار، ج 44، ص 145